

## گزارش کارگاه آموزشی

### «رهیافت های نوین ارزیابی کیفیت دانشگاهی»

#### پودمان ۱: مشارکت فعال تحصیلی دانشجویان

#### Active Student Engagement Approach

این کارگاه آموزشی در راستای اجرای روال طرح تحول راهبردی با عنوان «پویایی و بالندگی اعضای هیأت علمی» و براساس مفاد برنامه تفصیلی مصوب در تاریخ ۹۸/۴/۵ در سالن شورای آموزشی با حضور ۳۰ تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه برگزار شد.

#### اهداف کارگاه

۱. آشنایی و توانمندسازی اعضای هیأت علمی و مدیران دانشگاهی با موضوع مشارکت فعال تحصیلی دانشجویان و چگونگی سنجش آن

۲. بکارگیری نتایج سنجش مشارکت فعال تحصیلی دانشجویان برای بهبود کیفیت دانشگاهی

مدرسین این کارگاه آقایان دکتر رضا منیعی معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و دکتر مقصود فرستخواه عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی بودند که در ادامه به خلاصه ای از مطالب مطرح شده در کارگاه اشاره می شود.

#### مباحث بخش اول کارگاه (آقای دکتر منیعی)

در ابتدا آقای دکتر منیعی از حاضران خواستند که ضمن معرفی خود، دلایل و هدف از حضور در این کارگاه را مطرح فرمایند که مهمترین موارد عبارت بودند از: ایجاد انگیزه در دانشجویان، افزایش مشارکت دانشجویان، کمک از دانشجویان برای بهبود فرایند یادگیری استاد و دانشجو، ترغیب دانشجویان با انگیزه های متفاوت، شخصیت و عملکرد گوناگون، تغییر نگاه سنتی در دانشجویان، تغییر نگاه دانشجویان به رابطه استاد و دانشجو و تغییر نگرش آن ها، آموزش راهکارهای خلاق برای افزایش انگیزه آنان، آگاهی از تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر انگیزه ایشان و اینکه چه فعالیت های فرهنگی، اجتماعی می توان طراحی کرد که سبب افزایش انگیزه دانشجویان در کلاس و دانشگاه باشد.

سپس آقای دکتر منیعی ضمن تشکر از بیان ایده ها اظهار داشتند، منظور از کیفیت یعنی تناسب با هدف. یکی از نقدهایی که مثلاً به رتبه بندی وجود دارد این است که نباید همه را با یک نگاه دید. هر دانشگاهی هدفی دارد و هر

دانشگاهی باید به تناسب اهدافی که دارد سنجیده شود و سنجیدن همه با یک سری معیار و شاخص کار درستی نیست.

امروزه چه انتظاری از دانشگاه ها وجود دارد؟

- ✓ دانشگاه ها باید با جامعه و صنعت تعامل داشته باشند.
- ✓ دانش آموختگانی کارآفرین و نوآور تربیت کنند.
- ✓ متناسب با نیازهای متحول و انتظارات نوپدید توسعه یابند.
- ✓ به ارتقای سطح فرهنگ و سلامت و رفاه جامعه کمک نمایند.
- ✓ دانش و راهکارهایی در سطح تراز جهانی ارائه نمایند.

ارتقای کیفیت آموزش عالی ابعاد بسیاری دارد که یکی از مهمترین آن ها دانشجویان است که مستلزم توجه ویژه به دانشجویان، فعالیت ها، کنش ها، تعاملات، برنامه ها و مشارکت فعال آنها در طول دوره تحصیل است.

در حقیقت دانشجویان باید کانون توجه باشند. دانشجو مهمترین عنصر نظام آموزش عالی است.

سوال: به نظر شما دانشجویان در یک دانشگاه با کیفیت چه چیزهایی را باید تجربه کنند و فراگیرند؟ یا به زبانی دیگر پیامدهای یادگیری (Learning Outcome) چه باید باشد؟

در اینجا بخشی از نظرات شرکت کنندگان به شرح زیر آورده شده است.

- ✓ کسب توانایی های عملی و بکارگیری دانش در جامعه (مهارت های ورود به بازار کار)
- ✓ توانایی پژوهش و حرکت در لبه دانش
- ✓ توانایی حل مسأله
- ✓ یادگیری کار تیمی
- ✓ تولید و توزیع علم در جامعه و خانواده
- ✓ سبک زندگی (داشتن زندگی چند بعدی، کار تیمی، نظم، سلامت روان و...)
- ✓ کسب تجربه از اساتید
- ✓ کسب مهارت های تحلیل صحیح
- ✓ خروج از حالت انفعال و اینکه انسانی کنشگر باشد.
- ✓ ایجاد روحیه نقادانه
- ✓ ارتقاء خلاقیت
- ✓ تجربه دانشگاهی (مهارت های زندگی، مهارت های تفکر انتقادی و...)
- ✓ و...

پیامدهای یادگیری Learning Outcome در دانشگاه چه باید باشد؟ (نظر مدرس کارگاه)

- ✓ نوشتن روان و موثر (نویسنده‌گی)
- ✓ سخن گفتن شفاف و موثر
- ✓ تفکر انتقادی و تحلیلی
- ✓ تجزیه و تحلیل اطلاعات عددی و آماری
- ✓ دستیابی به دانش و مهارت های شغلی
- ✓ همکاری موثر با دیگران (کار تیمی)
- ✓ توسعه یا شفاف سازی اصول ارزشی و اخلاق شخصی
- ✓ درک کردن افراد متفاوت از نظر اقتصادی، قومی، نژادی، سیاسی، دینی، ملیتی و...
- ✓ حل مسائل پیچیده واقعی
- ✓ شهروندی آگاه، فعال و مسئولیت پذیر
- ✓ درک افراد متفاوت از نظر اقتصادی، قومی، نژادی و سیاسی

آیا تاکنون دانشگاه موارد فوق را اندازه گیری کرده است؟ و چه باید بکنیم که این اتفاق بیفتد و بهبود پیدا کند؟

از نظر گاه (۲۰۰۹) مفهوم مشارکت فعال تحصیلی یا مشغولیت دانشجویی یعنی: «زمان و تلاش دانشجویان برای فعالیت مطلوب دانشگاهی و آنچه که موسسات آموزش عالی ارائه می دهند تا دانشجویان را متمایل به مشارکت در این قبیل فعالیت ها نمایند.»

What student do?

What institute do?

ایشان به این نتیجه رسیده اند که فقط زمانی که دانشجوی partnership باشد موارد فوق تحقق خواهد یافت. زمانی که دانشجوی، دانشگاه را از خود بداند و به آن احساس تعلق داشته باشد موارد فوق متحقق خواهد شد. سپس ایشان سازه مشغولیت دانشجویی را به شرح زیر ترسیم کردند.

## سازه مشغولیت دانشجویی



در ادامه آقای دکتر منیعی به پژوهشی که در موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی در این زمینه توسط ایشان صورت گرفته است و بصورت پایلوت نیز اجرا شده است اشاره نمودند و میزان دستیابی به هر یک از موارد قید شده در سازه مشارکت فعال تحصیلی را در دانشگاه های ایران بیان کرده و با دانشگاه های آمریکا مقایسه نمودند و نتیجه اینکه میزان مشغولیت دانشجویی در ایران ۲۸/۸ از ۶۰ بوده است و این نشان دهنده پایین بودن این مقدار از حد متوسط است. ایشان گفتند ذهنیت دانشجو از مشتری به partner یا شریک باید تغییر یابد و این مهمترین بحث کارگاه است.

مباحث بخش دوم کارگاه (جناب آقای دکتر فراستخواه)

آقای دکتر فراستخواه ضمن اشاره به خروجی تحقیقات مرتبط با موضوع کارگاه، اظهار داشتند آنچه شما آن را ارزیابی نمی کنید گویی اصلاً انجام نداده اید. اگر فعالیت هایی که انجام می دهیم مورد ارزیابی قرار نگیرند، چگونه متوجه خواهیم شد که این فعالیت توانسته به نیاز پاسخ دهد، ما را یک قدم جلو برده است، رفتاری را عوض کرده است. باید بدانیم که ارزش فعالیت اگر سنجیده نشود یعنی فعالیتی انجام نشده است.

باید تصویر ذهنی ما نسبت به دانشجو عوض شود. دانشجو فقط یک شنونده نیست، دانشجو باید partner ما باشد. ما باید بررسی کنیم که طی چند دهه در آموزش عالی خود چه کرده ایم و آن را ارزیابی نماییم. ارزیابی عمل ناتمام را تمام می کند و به ما فرصت اصلاح و بهبود می دهد.

در آموزش عالی ما سالهاست که فعالیت های گوناگونی به شرح زیر صورت گرفته که تقریباً هم هیچ کدام به نتیجه رسیده است. چون ما هیچ وقت تحلیل شکست انجام نمی دهیم و به تبع آن به دانش ملی و استراتژیک دست نمی یابیم و یا به زبانی ساده نمی توانیم محل وقوع مشکل و علت را پیدا کنیم، که ۱۰ نمونه این فعالیت ها به شرح زیر است.

### ده فعالیت ملی تضمین کیفیت در عرصه آموزش عالی

۱. مدل نظارت دولتی (وزارتی): این مدل نظارتی عملاً فقط یک سیستم بروکراتیک با کلی فرم و دستورالعمل و... ایجاد کرده که نتیجه ای عاید نظام آموزش عالی نشده است و اتفاقاً چون دولتی بوده به نتیجه نرسیده است. همچنین متعدد بودن نهادهای متولی هم معضل دیگری است. (نهادهای حاکمیتی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت علمی رئیس جمهور، مجلس و...)

۲. مدل ارزیابی درونی: علی رغم این که مدل خوبی بود ولی در اثر مشکلات فرهنگی و سیاستی ناتمام ماند و بیشتر یک فرایند اداری شد بجای این که فرایندی خودانتقادی باشد. چون بعد از ارزیابی ضمانت اجرایی نداشت و دانشگاه ها و گروه ها اختیارات کافی برای رفع این مشکلات و اصلاح فرایندهای مدیریتی، سیاستی و... نداشتند.

۳. ارزیابی بیرونی: ارزیابی درونی، منجر به ارزیابی بیرونی نیز نشد. هیچ اعتبارسنجی صورت نمی گرفت و علت آن هم خلاء نهادی بود. یعنی نهادی ملی برای پیگیری کیفیت و استانداردها در این موارد وجود نداشت. در کشورهای دیگر نهاد ملی وجود دارد که اتفاقاً دولت هم عضو آن است و سیاست های استقرار کیفیت را پیگیری می کند و توسعه می دهد. بسیاری از کشورهای منطقه که پس از ما کار ارزیابی را شروع کردند در حال حاضر نهادهای ملی در این زمینه دارند (دولتی نیست ولی دولت هم در آن حضور دارد). از آن گذشته ما حتی عضو شبکه بین المللی تضمین کیفیت هم نیستیم و در ساختار بین المللی کیفیت منزوی هستیم و حضور نداریم در نتیجه از مزایای آن هم برخوردار نیستیم.

۴. رتبه بندی: در این زمینه نتوانستیم یک اجماع ملی ایجاد کنیم. رتبه بندی نیازمند لوازمی است که ما پیش از فراهم کردن آن لوازم، خود را در معرض آن قرار دادیم. در واقع رتبه بندی برای ما ایجاد وهم می کند و

تصور موهومی از پیشرفت کیفی ایجاد می کند. در ایران در این خصوص خلاء نهادهای فرهنگی و گپ های نهادی را در این زمینه داریم و دچار نوعی فرمالیزم شده ایم. یعنی بیشتر present کردن خود شده است و تبدیل به یک شو مدیریتی شده است به جای این که بازنمایی کیفیت و پیشرفت دانشگاهی باشد و نتایج آن می تواند برای ما گمراه کننده باشد.

۵. سطح بندی: وزارت علوم بدون مشارکت دانشگاه ها اقدام به این کار نموده است و دانشگاه های سطح یک و دو سه ایجاد کرده است. در حالی که درباره آن اجماع ملی و رضایت مشترک ملی ایجاد نکرده است و بصورت دستوری از بالا به پایین و با درکی مغشوش و با هزینه زیاد این کار را انجام داده که سبب ایجاد نارضایتی هم شده است.

۶. ارزیابی دانشجو از کلاس: دانشجو درکی از فرایندهای ارزیابی ندارد و در این زمینه توجیه هم نیست. ما مشخص نکرده ایم که باید ارزیابی از دانشجویان ممتاز صورت گیرد و بصورت کلی از همه خواسته ایم که در این ارزیابی حضور داشته باشند بدون اینکه اعتماد دانشجو را به این ابزار جلب کرده باشیم. ایران کشور سیاست های ناکارآمد است به این معنی که انواع فرایندها را راه می اندازیم بدون این که هم افزایی و اثربخشی نسبت به هم داشته باشند. باید به این نکته توجه کنیم که اگر فعالیتی قرار است بد انجام شود همان بهتر که انجام نشود و این فرایند هم بسیار بد انجام می شود.

۷. فرایند ترفیع و ارتقاء: این هم یکی از ابزارها و رویه هایی است که اساتید را ارزیابی می کند که شاهد آیین نامه های متعدد و بعضاً متناقض است که بیشتر یک فعالیت اداری است تا فعالیت آکادمیک و تبدیل به نوعی مرتبه کارمندی شده است تا مرتبه علمی. یعنی این رتبه هیأت علمی دیگر پرستیژ و معنا و منزلت سابق را هم ندارد. نسخه های متعدد آیین نامه بر اساس کدام مطالعات ملی ویرایش شده اند. علین همه بی ثباتی چیست؟

۸. پیمایش دانش آموختگان: همه دانشگاه های دنیا پیمایش هایی از دانش آموختگان دارند و متأسفانه ما در کشورمان نداریم. در حال حاضر در موسسه البته فقط در زمینه رصد اشتغال دانش آموختگان در حال پیمایش است.

۹. Student Engagement: که در مطالب بالا به آن اشاره شد و آقای دکتر منیعی در موسسه، مسئول انجام آن است یک ابتکار ملی محسوب می شود ولی باید دانشگاه ها هم در این زمینه همکاری نمایند.

۱۰. یک فعالیت باقی مانده است و آن پیمایش ذی نفعان اجتماعی است. آیا از شهروندان راجع به دانشگاه سوال می کنیم؟ از سازمان های اجتماعی راجع به دانشگاه سوال می کنیم؟ با صنعت، جامعه مدنی و محیط زیست چقدر تعامل داریم و پاسخگوی آنها هستیم؟

در حقیقت ما هیچ ابزاری نداریم که دانشگاه خود را در آینه جامعه ببیند.

مسأله دیگر بحث روایت های دانشجویی است که بسیار مهم است. وقتی نتایج پیمایش استخراج می شود باید در پنل هایی با حضور دانشجویان و مسئولین مورد بحث قرار گیرد تا بتوان از نتایج آن در راستای بهبود و اصلاح فرایندها استفاده کرد.

ما در جامعه نیاز به متوازن سازی فعالیت ها داریم. انواع اطلاعاتی که برای ارزیابی دانشگاه ها بدست می آوریم می-توانیم جمع کنیم و نتایج بهتری از آنها کسب نماییم.

ارزشیابی یعنی «ثبات اطلاعات به منظور قضاوت عمومی» و اگر این مهم صورت نگیرد آن پیمایش ناتمام خواهد ماند و نتایج آن قابل استفاده برای اصلاح فرایندها و پیشرفت نخواهد بود.